



چریک‌ها به مرخصی نمی‌روند!

رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار چند روز پیش با جمعی از کارگران و کارآفرینان کشور به نکته‌ای کلیدی‌اشاره کردند: «دشمنان ما فقیمه‌داند که در جنگ سخت نظامی طرفی نخواهند بست. بنده قبل از این هم در دوره رئیس‌جمهور دیگر آمریکا گفتم که دوران بز و دررو گذشته است. بزبند، می‌خورید، می‌دانند این را که اگر ضربه بزنند، چند برابر ضربه خواهند خورد. امروز اتاق جنگ علیه ما، وزارت خزانه‌داری آمریکااست.»
فهم همه‌جانبه و عمیق این مسئله راهبردی، در تعیین نتیجه این جنگ بسیار موثر است. سهه سال پیش (۲۲ آبان ۱۳۹۴) نگارنده در یادداشتی با عنوان «چریک‌هایی با کت و شلوار خاکستری» دربارهٔ این اتاق جنگ نوشت: «هر کز مهم‌ترین تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات سیاسی- امنیتی آمریکا چیست؟ دفتر مرکزی سازمان سیا در لانگلی ایالت ویرجینیا؟ پنتاگون در آرلینگتون؟ ژاناس امنیت ملی آمریکا (NSA) در فوریت‌ایالت فلوریدا؟ پاسخ منفی است. برای پاسخ به این سؤال باید سر به وزارت خزانه‌داری آمریکا زد: «دفتر ترورسیم و اطلاعات مالی» با حدود ۷۰۰ کارمند که از آن می‌توان به «اتاق جنگ جدید آمریکا» یاد کرد. اسمم این واحد که ریاست آن برعهده معاون وزیر خزانه‌داری است، در ظاهر گزیده شده است. در این دفتر اطلاعات مالی ترورست‌ها ردیابی و دنبال می‌شود. وظیفه آن طراحی و عملیاتی کردن سیاست‌ها و استراتژی‌های آمریکا علیه کشورهای متخاصم و به تغییر آمریکابه «سر کش» یا ابزارهای اقتصادی است.

خوان زاراته دستیار رئیس‌جمهور و مشاور امنیت ملی در دولت جورج بوش که سه‌سال‌ها در این میدان کار کرده است، در کتاب خود تحت عنوان «جنگ خزانه‌داری» می‌گوید: زرادانه آمریکا شامل هواپیماهای بدون سرنشین، موسسک‌های تام‌هاوک و چریک‌هایی با کت و شلوار خاکستری است. وظیفه این چریک‌ها تبدیل ابزار مالی و اقتصادی به سلاحی قوی، علیه دشمنان آمریکاست.»

امضای برای پایدی کامل ایران به تعهدات خود و حتی عمل به فراتر از آنها نیز، ترجمان در اورتوری به وجود نیابوده است و شواهد و قراین نشان می‌دهند این جنگ در دوره پسابرجام وارد مرحله استراتژیک دیگری شده که اهداف آن فراتر از موضوع فعالیت‌های هسته‌ای ایران است. آشنایی با اتاق جنگ آمریکا، ساز و کار تصمیم‌گیری و فرآیندهای آن، فرماندهان و افسران ارشد شاغل در آن و اهداف آنان را می‌توان نخستین گام برای روبرویی با آن بُرد تحمیلی عنوان کرد. اگر چه استفاده از تحریم و سلاح مالی علیه کشورهای غیرهمسو با آمریکا سابقه‌ای بسیار طولانی و قابل مطالعه دارد اما در قرن بیستم و یکم این بُرد وارد فاز تازه‌ای شده و وزارت خزانه‌داری که تا پیش از این نقش‌ی جاشبه‌ای و مکمل داشت، به مرکزیت جنگ تغییر موقعیت یافته‌است. به‌قول نیوزویک:این نسخه قرن بیستم‌و یکم جنگ است، پس از ماجرای ۱۱ سپتامبر، راهاندازی «دفتر ترورسیم و اطلاعات مالی» در سال ۲۰۰۴ و گماشتن استوارت لوی به فرماندهی آن، نقطه عطفی در این قضیه بود. وزارت خزانه‌داری آمریکا تنها نهاد مالی در جهان است که واحد اطلاعات داخلی خود را دارد. نیویورک تایمز در گزارشی این دفتر اطلاعاتی (TFI) را چنین توصیف می‌کند: «وزارت خزانه‌داری یک میدان جنگ جدید برای ایالات متحده ایجاد کرده‌است. آنها مسلح به اسناد کاغذی و کامپیوترها در کار می‌کنند که در سالی که ما سستی بر دیوار نصب بود که قوی‌ترین راه‌نشان می‌داد.»
انها اولین دفتر یا به عبارت صحیح‌تر پایگاه‌های جنگی خود را در اطراف ایالت تانسیس کردند: در اسلام آباد، کابل، ابوظبی و ریاض.

اسامه ابرم استوارت خزانه‌داری در تحلیل جنگ اطلاعاتی علیه کشورهای دیگر عبارت است از: «دلار به‌عنوان ارز واسط بین‌المللی»، «نیویورک به‌عنوان هاب ترانزاکشن‌های دلاری دنیا» و «چهارچوب شش‌دان ارتباطات متقابل بین هرقدر قدر کشور هدف وابستگی و ارتباط باجهت‌ها به این سه اهرم داشته باشد، ضربه زدن به آن برای چریک‌های کت و شلزاری خزانه‌داری آسان تر خواهد بود.

اولین رئیس این دفتر استوارت لوی بود. نیویسدا نفیو-مشهور به معمار تحریم‌های ایران – و آدم زوینن -معروف به سبزار تحریم‌ها- را می‌توان بازوهای لوی در پیشبرد این جنگ دانست. فرماندهان اصلی اتاق جنگ

آمریکا علیه ایران، همگی جوان بودند. نکته جالب توجه دیگر آن است که مقامات ارشد، وزارت خزانه‌داری آمریکا، مخصوص در جنگ با ایران صهیونیست بوده و هستند. جانشین لوی (دیوید کوهن که از خزانه‌داری به سازمان سیا رفت) هم یک صهیونیست بود. این مقام سیگال ماندلکر، رئیس فعلی این دفتر نیز که چند دهه پیش به این خانه منصوب شده، یک صهیونیست تمام عیار است. جک لو و استیون مونچین، وزرای قبلی و فعلی خزانه‌داری هم صهیونیست هستند. بررسی سیر و نحوه سبطه صهیونیست‌ها بر خزانه‌داری آمریکا موضوعی جالب و درخورد تحقیق است.

لوی یک سال پس از پیوستن به خزانه‌داری آمریکا، عملاً از سال ۲۰۰۵ جنگ علیه ایران را کلید زد. نحوه عملکرد در آن این بستست و فرماندهی جنگ اطلاعاتی ایران، جالب توجه است. او منتظر تصمیمات کاخ سفید و مقصوبات کنگره نماند و جنگ را به‌صورت آتش به اختیار آغاز کرد. تحریم‌هایی بی‌سر و صدا بدون هیچگونه حکم دولتی با الزام بین‌المللی که بعدها با لقب «تحریم‌های درگوشی» دانند.

لوی فرماندهی پشت میز نشین نبود و خود در پیشانی این جنگ بود. او صدها مسفر به اقصی نقاط جهان انجام داد و اوایل با آنکه مسئولین کشورها قصد از این کار ناراضی به‌نظر می‌رسیدند اما به وشدت استوارت کوشه که مستقیماً با روسای بانک‌ها جلسه بگیرد. به‌قول زاراته او از جلسه با این هیئت مدیره به جلسه با هیئت مدیره بعدی می‌رفت. برای کشورها و موسسات بین‌المللی اطلاعاتی علیه ایران تهیه شده بود. اندکی بعد وقتی بانکداران استام را می‌شنیدند، مردی را تصور می‌کردند که در عصبانیت روی میز می‌کوبد و تهدید می‌کند که مراوده مالی و اقتصادی با ایران، با واکنش‌های وحشتناک مواجه خواهد شد.

لوی چنان در کار خود پیگیر و مصمم بود که تغییر دولت نیز باعث کنار رفتن او نشد. تغییرات گسترده‌ای در دولت اوپاما نسبت به دولت جرج بوش پس رخ داد اما دو نفر در سطوح بالا تغییر نکردند: رابرت گیتس وزیر دفاع و استیوارت لوی. تحلیلگران سیاسی معتقدند ادامه کار لوی بیش از هر قاع سیاسی آشکار بود. به ایران از سوی دولت جدید آمریکا که با شعار «تغییر» بر سسر کار آمده بود، هر چیز تغییر کند، آرایش جنگی وزارت خزانه‌داری تغییر نخواهد کرد.

طی سه سالی که از امضای توافق هسته‌ای می‌گذرد این آرایش جنگی همچنان مقوت خود باقی است. سداولوحی بزرگی است اگر کسی گمان کند واشنگتن به‌واسطه بستن یک معاهده چندجانبه، نگرش امنیتی خود را تغییر می‌دهد. زاراته در تبیین این نگرش می‌نویسد: ما به عصر جدیدی از نفوذ مالی وارد شدیم که در آن ابزارهای اقتصادی و مالی تا آنجا قدرتمند شده‌اند که می‌توانند به‌عنوان ابزارهای امنیت ملی شناخته شوند. نیروهای جنگ جدید نیاز دارند به نظامیان این بُرد و اگر اتاق‌های هیئت‌مدیره اتفاقی می‌افتد نه در میدان فیزیکی جنگی، حالا ژئوپلتیک یک زمین بازی است که بازگیرش سلاح‌های تجاری و مالی هستند.»

چرا ایران در میدان نفاذع نظامی از قدرت بازدارندگی مناسب برخوردار است؟ آیا قدرت سخت‌افزاری ما را آمریکا‌ها بیشتر است؟ آیا بودجه بیشتری صرف امور نظامی می‌کنیم؟ نه ما در این میدان به تقابلی نامتوازن روئ آورده‌ایم. میدانی که تحت سبطه و اشراف طرف مقابل نیست و قواعد خاص خود را دارد. در میدان جنگ اطلاعاتی نیز باید رویکردی نامتوازن در دریش گرفت. یکی از مسئولان ارشد دولت گفته بود باید آن قدر با اروپا و آمریکا وارد مناسبات اقتصادی شویم که دیگر نتوانند ما را تحریم کنند. این استراتژی به روشنی گویای عدم تشخیص نقاط ضعف و قوت خودی و حریف است.

عدم‌ای گمان می‌کنند عمل به توصیه و حرکت در چار چوب چری نهادهای مالی به‌نظر امر بین‌المللی مناسب است. سداولوحی بزرگی است اگر کسی گمان کند راهگشای عبور از تنگناهای اقتصادی باشد. این عده حتی به خود زحمت نمی‌دهند بررسی کنند که چرا پیش از این نهاد ملی خود یک دهنه اخیر بیرون شده و دیگر کلاس و چپ پوئسنی از سوی دولت اوپاما به ساموئلی در این رابطه داشتند و چگونه با دستکاری ماموریت آن، عملاً کارگرو ویژه اقدامات مالی را به یکی از ابزارهای جنگی خود علیه ایران تبدیل کردند. یکی از ده‌ها و ده‌ها صدها عارضه شده باور به این جنگ اقتصادی و نشناختن آتناسی جنگ آمریکا، راهاندازی مرکز هیچون واحد اطلاعات مالی (FIU) در وزارت اقتصاد خودمان است. اطلاعات – با واسطه – به اتاق جنگ در وزارت خاردهای آمریکا برسد و اهداف جدید برای بمباران‌های بعدی تعیین شود! فارغ از آنکهیز و نیت، و نه دوره در این جنگ عملاً به دشمن کمک کردند می‌کنند. گروهی که برجام را آتش یس و حتی صلح چارزند و بخش قابل توجهی از کشور را با یهود غفلت کرده بر روند، گروه دوم این مرحله نیز فراتر رفته، مقاومت را به خودبه‌خود غفلت کرده و تسلیم را توصیه و ترویج می‌کنند. جماعت مورد اشاره به این سؤال ساه پاسخ نمی‌دهند که کدام ملتی در طول تاریخ با تسلیم شدن در برابر دشمنی خونخوار و بی‌رحم که با اصل و ماهیت حریف دشمنی انتقام پیدا کرده است؟

محمد صرفی

دادگاه‌سی در آمریکا

حکمی غیابی و **بدون ارائه مستندات**، **ایران را به پرداخت بیش از ۶ میلیارد دلار به خانواده‌های قربانیان کشته شده در حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ محکوم کرد.**
یک قاضی آمریکایی که سال‌های گذشته نیز احکامی غیابی را علیه ایران صادر کرده بود، این‌بار نیز درحالی‌که هیچ مدارک مستندی درباره ادعای دخالت ایران در ماجرای ۱۱ سپتامبر وجود ندارد، مقرر کرد تا ایران به بارمندگان و خانواده‌های قربانیان ماجرای یازده سپتامبر و حمله به مرکز تجارت جهانی درشهر نیویورک و پنتاگون، بیش از ۶ میلیارد دلار پرداخت کند.

سختگویی دولت با بیان اینکه ترامپ به احتمال زیاد از برجام خارج می‌شود، گفت: باید خودمان را برای بعد از برهم خوردن برجام محاسب کنیم.
محمداقصر نوبحث صبح دیروز در همایش تجلیل از معلمان استان گیلان در بندرازلی اظهار داشت: شهادت استاد مطهری نمادی از تفکر و جهت‌گیری انقلاب اسلامی و نوع تقابل دشمنان انقلاب با آن است. رئیس‌سازمان برنامه و بودجه کشور با بیان اینکه در طول تاریخ مطالب بسیاری در حوزه تفسیر

مفهوم انتظار ارائه شده است ابراز داشت: مسئله امامت، خاتمت و مهدویت برگرفته از اندیشه‌های علمای مانند استاد شهید مطهری است.
نوبحث با بیان اینکه معلمان و فرهنگیان استان گیلان تحقیق و پژوهشی ۱۵ صفحه‌ای درخصوص تفکرات شهید مطهری ارائه دهند ترسح کرده است- این آمادگی را دارد که تعدادی از این مقالات را به کتاب تبدیل کرده و در راستای آن کارگاه‌های پژوهشی برگزار کنیم. معاون رئیس‌جمهور خطاب به

فرمانده حشدالشعبی:

رهبر معظم انقلاب عراق را از خطر سقوط نجات دادند

فرمانده حشدالشعبی عراق با اشاره به نقش محوری رهبرانقلاب، مواضع و تدابیر ایشان را مانع سقوط عراق به دست داعش عنوان کرد.

ابومهدی المهندس در آئین تجلیل از مهدی یار رسال مسجد مقدس جمکران با اشاره به اینکه آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران از زمان سقوط صدام و زمانی که

دیروز بر شهرداری محسن هاشمی اصرار داشتند امروز در مجلس می‌کنند

نظرسنجی یک سایت حامی دولت نشان می‌دهد ۷۰درصد مخاطبان، هیچ یک از ۲ نامزد تصدی شهرداری تهران را دارای صلاحیت برای این سمت نمی‌انند. نتایج نظرسنجی «انتخاب» نشان می‌دهد ۷۰درصد از مخاطبان این پایگاه خبری در سایت و تلگرام، هیچ یک از ۷ گزینه نهایی برای شهرداری تهران را مناسب این سمت نمی‌دانند.
براین اساس، از میان ۲۹۲۲۲ شرکت‌کننده در نظرسنجی مذکور در «سایت»، ۸۸/۲درصد از مخاطبان به‌گزینه «هیچکدام» رای داده‌اند. پس از گزینه هیچکدام، پیروز حاجی با ۹/۸۵ و محمود جیتی با ۹/۶۶ درصد در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

در نظرسنجی کاتال تلگرامی «انتخاب» نیز، از میان ۵۸۷۲ شرکت‌کننده، ۸۰ درصد گزینه «هیچکدام» را انتخاب کرده‌اند.

براین اساس در مجموع شرکت‌کنندگان نظرسنجی کاتال و سایت، ۷۰/۱۶ درصد شرکت‌کنندگان گزینه هیچکدام را انتخاب کرده‌اند.
در همین حال روزنامه ارمان از قول محمد مهدی تندگویان عضو شورای شهر چهارم تهران نوشت: مردم باید شفاف بدانند چرا محسن هاشمی انتخاب شد؟ تندگویان گفت: اتفاقی که دوره قبل در انتخاب شهرداران افتاد این بود که در انتخاب شهردار با طرف مقابل مبارزه کردیم و حتی مردم به یاد دارند که برای رأی به آقای محسن هاشمی چه دردمری کشیدیم و اگر آن اتفاق نامیومن ما رخ نداد نمی‌دان حتماً موفق می‌شدیم. ما با تمام درسدهای موجود و خواهج با حضور ۱۴ اصولگرایان در شورای چهارم عملکرد مثبتی داشتیم و اگر آن یک نفر به جریان اصلاحات خیانت نمی‌کرد، نتیجه این عملکرد بیشتر مشخص می‌شد. اکنون نیز انتظار مردم درندست زمانی که هر جریان بدون هیچ رقبی در موضوعی مشخص حاکم می‌شودانتظار می‌رود که قدرت و سرعت تصمیم‌گیری بهتر باشد و مردم حاضر این بررسی را پدید می‌آورد که اگر اصلاح‌طلبان این تعداد گزینه نداشتند و مشخص نبود که درباره چه گزینه‌هایی می‌خوانند تصمیم بگیرند، چرا برای رسیدن به این جایگاه بدین حد تلاش کردند؟

وی درباره مخالفت شورای شهر با شهرداری محسن هاشمی می‌گوید: بحث انتخاب شخص آقای هاشمی مسئله‌ای است که جای تأمل دارد چون اعضای شورا بخشی را مبنی بر میثاق‌نامه و تعهداتی که داده‌اند مطرح می‌کنند. به هر حال گزینه ما در دوره قبل آقای هاشمی بود و خیلی تلاش کردیم که این اتفاق رخ دهد. اکنون نیز به قدری برای ما سخت است، در دورتی که جریان اصلاحات بر شورای شهر حاکم است چرا آقای هاشمی از گزینه‌ها می‌شود؟ میثاق‌نامه مسئله‌ای درون جریانی است که جریان اصلاحات به راحتی می‌تواند در راستای مصالحی که دارد تصمیم بگیرد و اعلام نظر کند. از این جهت به نظر من استناد به میثاق‌نامه اتفاق درستی نیست، مگر اینکه موضوعات دیگری مطرح باشد که باید برای مردم شفاف باشد تا بدانند چرا آقای هاشمی انتخاب نشد. من به عنوان کسی که در شورا بوده و سال‌ها کار شهیر کرد آقای هاشمی را برای حوزه شهرداری و تعاملات خارج سازمانی گزینه مناسبی می‌بینم. شهردار جایگاهی است که نیاز به جوانی کاملاً مسلط و فردی اهل جسارت، فکر و توانایی عملکرد دارد. شهردار شغلی کاملاً خدمتی است و نیاز به لیدر سیاسی و جمع‌پندنی حزبی ندارد بلکه باید شخصی روی کار بیاید که در سر هوای رئیس‌جمهور شدن یا عملیات آینده نداشته باشد.

مقرر اصلی بن‌بست کابینه

خود روحانی است

«وزرا، چکیده مدیرانی هستند که آقای روحانی برای دوام مجلس هم به وزرا کاری ندارد. آقای روحانی نقش بزرگی در بن‌بست کابینه دارد؛ نمونه‌اش همین بازار ارز.»
نعمت احمدی از عناصر اصلاح‌طلب در گفتگو با انتخاب، با انتقاد از بدگویی چندباز روحانی علیه وزرای خود گفت: آقای روحانی از نقش اپوزیوسی خارج نشود. من به آقای روحانی دهره دو دوره رای دادم و برای روزی ایشان هم هرجا توانستم، سخنانی کرده‌ام و مطلب نوشتم‌ام. به عنوان مهکلاسی دوره لیسانس خودم به صورت تمام قد هر چه توانستم‌ام برای ایشان فعالیت کرده‌ام. اما امروز نقد دارم.

آقای روحانی کم‌کم مثل آقای احمدی‌نژاد منتقد خودش می‌شود. چرا آقای روحانی در نقش اپوزیسیون صحبت می‌کنند؟ آقای روحانی رئیس دولت احمدی آمده‌اند. متأسفانه در این اواخر به گفتاردرمانی رسیدیم؛ یعنی به جای اینکه عمل کنیم، مشغول گفتاردرمانی هستیم.
وی اضافه کرد: این مدیران چکیده مدیرانی هستند که آقای روحانی آورده بود. در مورد بسیاری از آنها حتی کسی متعرضشان نشده، مگر از چند وزیر روحانی سؤال کرده‌اند و چند نفر از آنها استیضاح شده‌اند؟ کسی کاری به بقیه وزرا ندارد. اینها کسانی هستند که مورد وثوق مجلس، روحانی هستند.
احمدی گفت: خود کابینه در کل، در گوشه رینگ قرار گرفته؛ در واقع کل کابینه به حالت انفعالی رسیده که مسئولان آقای روحانی است و نقش بزرگی هم در این بن‌بست‌ها دارد. نمونه این بن‌بست‌ها مسائل اقتصادی و ارزی است. ببینید

با رأی یک دادگاه در نیویورک

خیز آمریکا برای سرقت ۶میلیارد دلاری از ایران این بار به بهانه ۱۱ سپتامبر!

و پنجاه هزار دلار به ازای هر برادر یا خواهر قربانیان این ماجرا پرداخت کند.
ایران هنوز هیچ واکنش رسمی به این حکم غیابی دادگاه آمریکا نشان نداده است.

به گزارش فارس، «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا در کنفرانس خبری مشترک با «محمد بوهرای» همتای نیجریایی خود، درخصوص مسائل مختلف از جمله تصمیمش درخصوص برجام، سخن گفت.